

# گاهنامه ادبی

## شکوه و آرزو

ویژه نامه  
سالگرد شهادت  
سردار سپید حاج قاسم سلیمانی  
(۱۳ دی)



موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، واحد رشت  
معاونت دانشجویی و فرهنگی

سال یکم / شماره پنجم / ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

\* آلبوم عکس سردار دل ها  
\* گفتگو با معاون محترم:

(دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت)

\* آنچه آمریکایی ها نمی دانند

\* با شاعران (ویژه نامه ی سالگرد شهادت سردار سلیمانی)

\* عطر شهادت

شکوه  
سپید  
حاج قاسم سلیمانی





# گاهنامه ادبی شکوه واژه ها

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت  
معاونت فرهنگی و دانشجویی



## شناخته شد

صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی و فرهنگی

مدیر مسئول: سپیده ساجدی

زیر نظر شورای سردبیری

طراح صفحات و گرافیک: سروناز رحیمی دانش

## فهرست

۱) آلبوم عکس سردار دل ها ..... صفحه ۳-۱

۲) گفتگو با معاون محترم: ..... صفحه ۶-۴  
(دانشجوی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت)

۳) آنچه آمریکایی ها نمی دانند ..... صفحه ۸-۷

۴) باشاعران ..... صفحه ۱۰-۹

۵) عطر شهادت ..... صفحه ۱۱



سخن دبیر:

در گذر تاریخ، ادبیات، زبانی مشترک، برای انسان ها بوده و به داشته های فرهنگی یک جامعه، اعتبار و ارزش می دهد.

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت در راستای ارتقا جایگاه ادبیات و ارج نهادن به آن، در صدد معرفی و نشر آثار فاخر در این صفحه می باشد.

امید آنکه بتوانیم در راستای این هدف والا و ارزشمند، قدمی به راستی برداشته و مورد توجه شما مخاطبان فرهیخته قرار گیرد.

سپیده ساجدی

دبیر کانون شعر و ادب موسسه

مدیر مسئول گاهنامه ادبی

شکوه واژه ها



۰۱۳-۳۳۴۴۸۹۹۴-۷

www.jdrasht.ac.ir

رشت، بلوار لاکان، میدان ولایت،  
مجتمع آموزشی-پژوهشی جهاد دانشگاهی گیلان

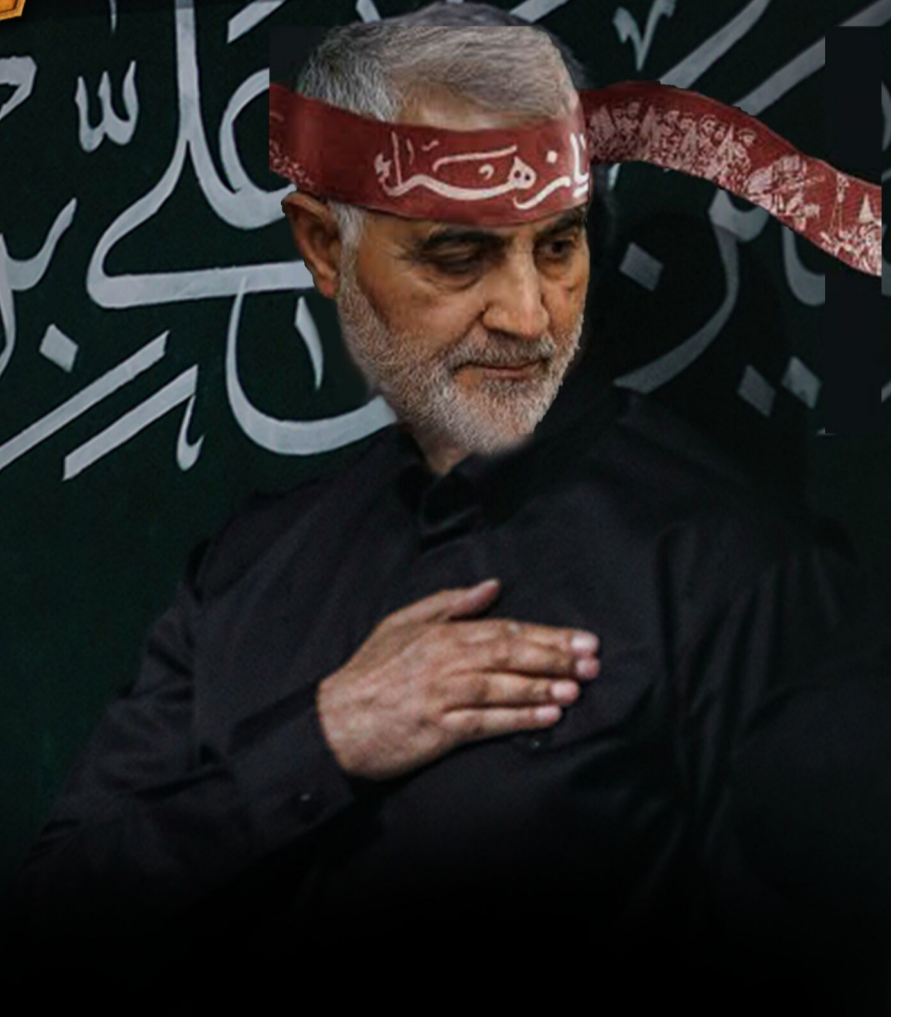


همراه خود دو چشم بسته آورده ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در جنگ ظالم.



- بخشی از وصیت نامه شهید سپهبد قاسم سلیمانی

# خدا یا ثروت چشمانم گوهر اشک دفاع از مظلوم است



همراه خود دو چشم بسته آورده ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در جنگ ظالم.



- بخشی از وصیت نامه شهید سپهبد قاسم سلیمانی

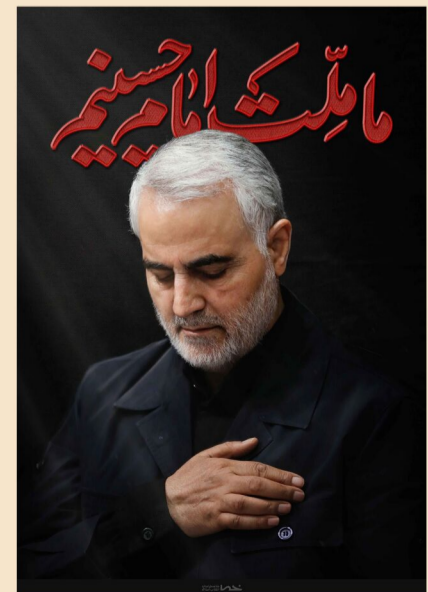
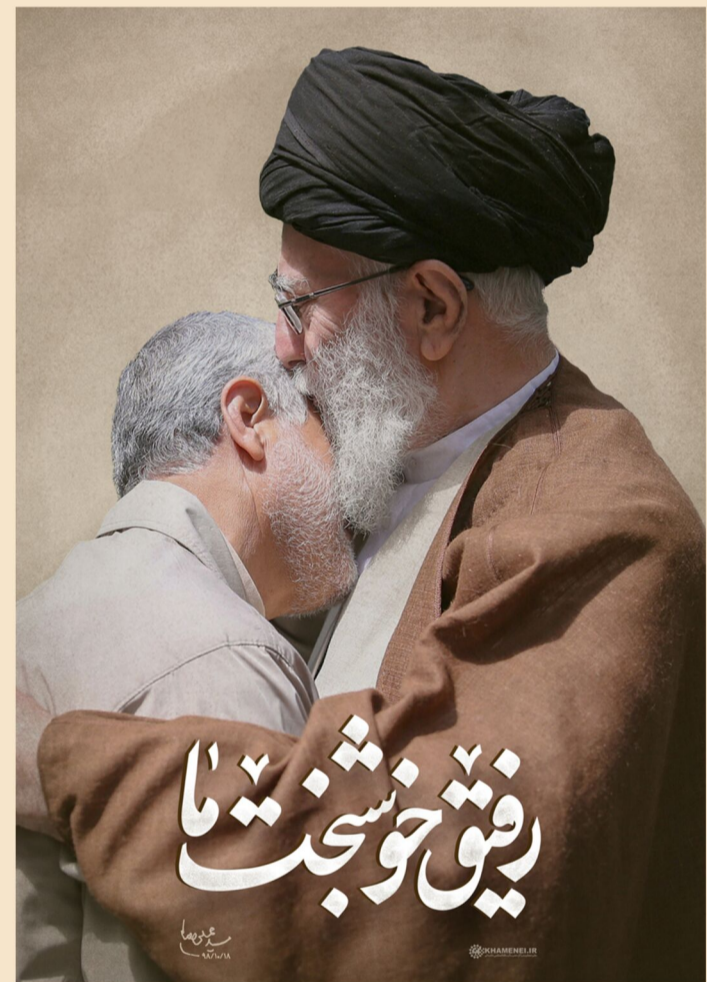
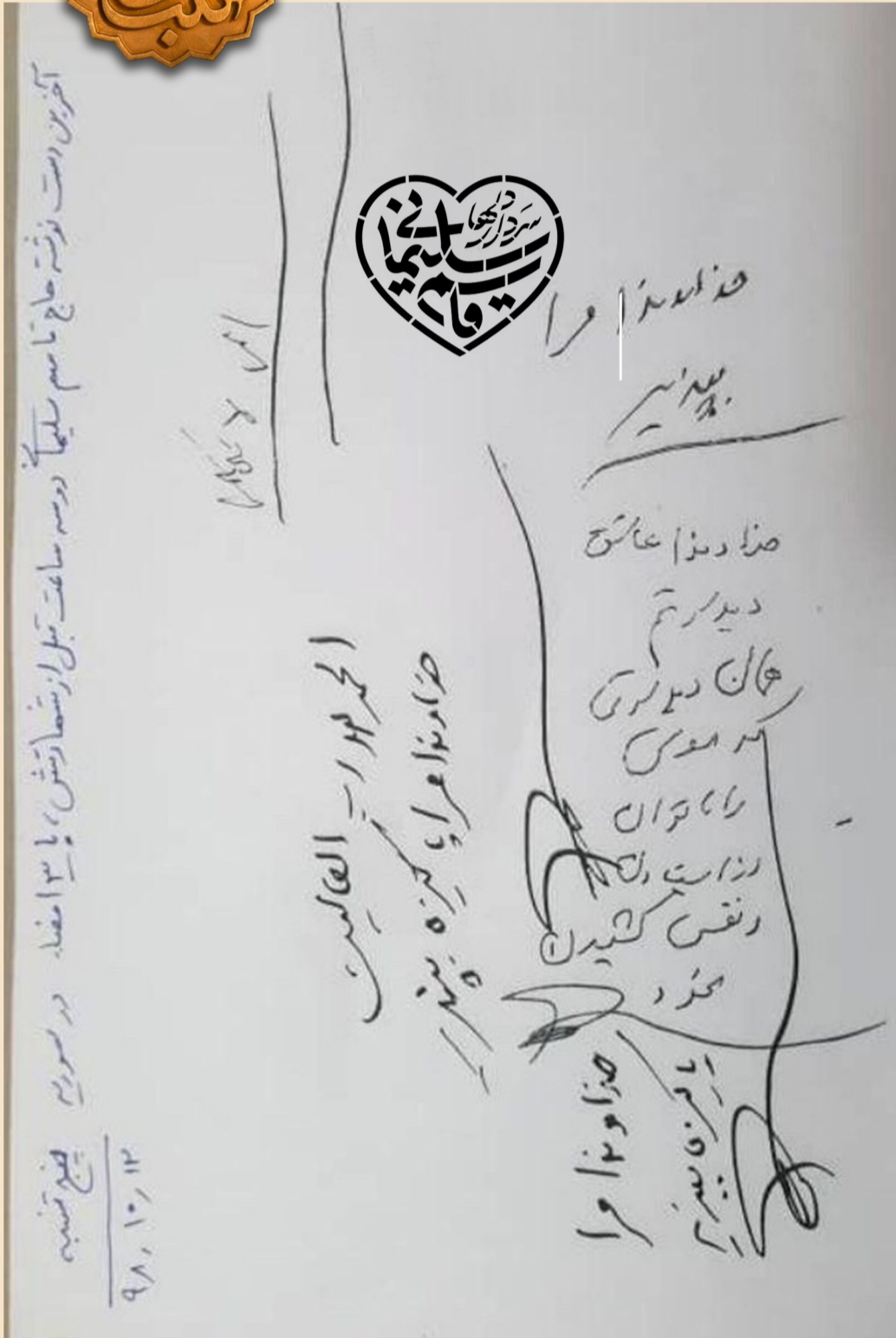
# خدا یا ثروت چشمانم گوهر اشک بر حسین فاطمه است



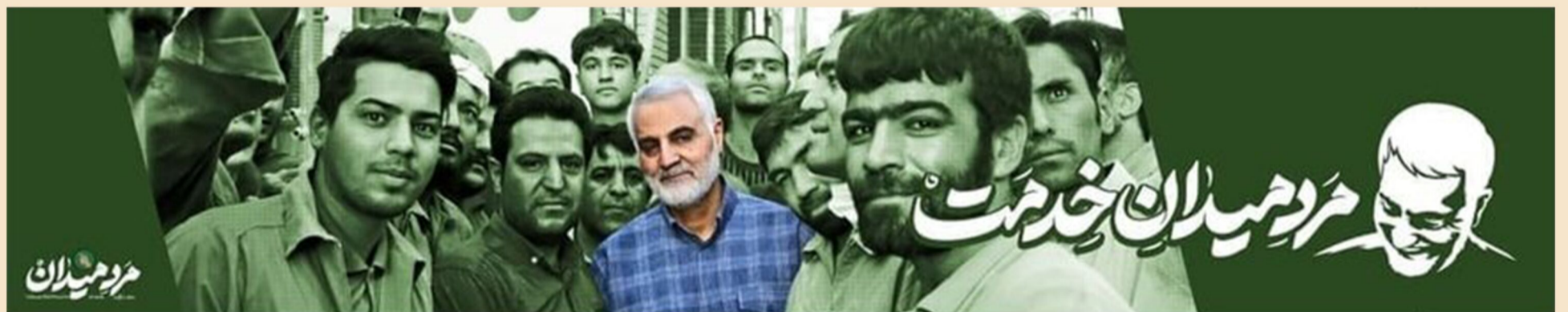
## آلبوم عکس سردار دل ها



## آلبوم عکس سردار دل ها



## آلبوم عکس سردار دل ها



## گفتگو با معاون محترم

(معاون دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت)

مهندس محمد شادپور



در اولین مصاحبه با مسئولین مؤسسه؛ میهمان معاون دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت و مسئول بسیج اساتید سازمان جهاد دانشگاهی استان گیلان، جناب آقای محمد شادپور بودیم، اهل گفتگو، مباحثه و دل نگران برای دانشجویان و آینده‌ی آنها، با توجه به اینکه این شماره، به مناسبت اولین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی تدوین گردیده، بیشتر صحبت‌ها به سپهبد شهید مرتبط می‌شد. ساده و بی‌تکلف؛ با ایشان به گفتگو نشستیم.

۱- از اینکه فرصتی دست داد، تا درباره فعالیت‌های فرهنگی - دانشجویی مؤسسه، و بسیج اساتید و علی‌الخصوص سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به گفتگو بنشینیم سپاسگزاریم، در ابتدا با توجه به اهمیت فعالیت و برنامه‌های فرهنگی دانشجویی موسسه چه اهدافی را مدنظر قرار داده اید؟

بسم الله الرحمن الرحيم، پیش از ورود به بحث، سالگرد شهادت سردار دلها، حاج قاسم سلیمانی را به مردم شریف ایران و گیلان بخصوص جهادگران جهاد دانشگاهی گیلان تسلیت گفته و از اینکه ایران اسلامی چنین فرزندان رشید، مومن و مکتبی را در خود پرورش داده است، تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم، از اینکه فرصتی فراهم آمده تا مختصری درباره مجموعه فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه‌ی دانشجویی- فرهنگی و همچنین حوزه‌های فعالیت بسیج اساتید به گفتگو بنشینیم سپاسگزارم.

معاونت دانشجویی و فرهنگی یکی از محوری‌ترین و حساس‌ترین معاونت‌های موسسه است که ارتباط مستقیم با دانشجویان دارد. فلسفه وجودی و مأموریت اصلی این معاونت ایجاد بستری مطمئن برای مشارکت دانشجویان می‌باشد. نهادینه کردن و بکارگیری ارزشهای فرهنگی، اجتماعی، دینی و انقلابی در موسسه و مشارکت دادن دانشجویان، اساتید و کارکنان در فعالیتهای و برنامه‌های فرهنگی، هنری، سیاسی و ورزشی از اهداف این معاونت می‌باشد. یکی از اولین کاری که در موسسه انجام گرفت، هماهنگی و همکاری و تعامل بسیج دانشجویی، انجمن‌های علمی و کانونهای موسسه در فعالیتهای فرهنگی، علمی، آموزشی و پژوهشی می‌باشد. این تعامل و همکاری منجر به پویایی تشکلهای در موسسه شد، انشاء الله از این طریق و با کمک اساتید و همکاران بتوانیم در راستای اعتلای فرهنگ و علمی موسسه و بطور کلی میهن اسلامی قدمی برداشته باشیم.

## گفتگو با معاون محترم

(معاون دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت)

### مهندس محمد شادپور



#### ۲- بسیج اساتید جهاد دانشگاهی استان گیلان در چه حوزه‌هایی فعال می‌باشد؟

در پاسخ به سوال شما، باید عرض کنم که هدف از تشکیل بسیج اساتید، تحقق آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب مبنی بر تحقق دانشگاه اسلامی و اشاعه تفکر بسیجی در دانشگاه‌ها بوده است. بسیج اساتید تلاش دارد تا زمینه جذب حداکثری همکاران دانشگاهی را فراهم سازد. مهمترین وظایف بسیج اساتید، بسط فرهنگ و تفکر بسیجی در هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها، دفاع از ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، ارتقای معرفت و آگاهی دینی در راستای وحدت حوزه و دانشگاه و کمک به ایجاد زمینه مناسب برای تلاش‌های علمی و پژوهشی می‌باشد. که هرکدام از این عوامل می‌تواند در قالب گروه‌های علمی، فرهنگی و ... اجرایی شود. برگزاری همایش‌های علمی، انتشار کتب دانشگاهی، کارگاه‌های آموزشی، تعامل با سایر نهادهای علمی و ... بخشی از پتانسیل و توانمندی‌هایی است که در بسیج اساتید وجود دارد.

اگر قرار است که در راستای اعتلای جایگاه بسیج حرکت کنیم، انتظار ما این است که در این مسیر تلاش صورت گیرد. اساتید بسیجی باید برای حضور در میادین انقلاب اسلامی طرح دهند. ما باید برای تولید اقتدار ملی، بن بست شکنی، دستیابی به مرجعیت علمی و ایجاد راه‌های میانبر تلاش کنیم؛ چراکه این خواسته مقام معظم رهبری از ما است. از دیگر اهداف اصلی بسیج اساتید تحول درونی و اثر بخشی بیرونی می‌باشد. در مرحله اول باید شبکه‌سازی استادان دغدغه‌مند و انقلابی را از طریق ارتقا روش‌های جذب، آموزش، و تربیت نیرو در دستور کار قرار داد. لذا برای رسیدن به این اهداف تشکیل گروه‌های مسئله محور است. و در مرحله بعدی می‌توان به ایجاد نهضت تولید علم نافع در کشور و حاکم کردن روحیه جهادی و انقلابی در دانشگاه پرداخت. البته تمامی افرادی که در گروه‌های مسئله محور کار می‌کنند، در واقع سیاست‌گذاران آینده کشور هستند. این افراد در آینده و زمان تشکیل دولت انقلابی، وظیفه اجرا را برعهده خواهند گرفت.

#### ۳- در حوزه‌ی فعالیت‌های فرهنگی موسسه جهاد دانشگاهی رشت؛ چه افق‌هایی را برای آینده، مدنظر قرار داده‌اید.

در حوزه فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی؛ که در آن مشغول به خدمت هستیم، برنامه و اساس فعالیت‌هایی که تلاش برای اجرایی نمودن آن داشته و داریم؛ ترویج فرهنگ و هنر اسلامی، برنامه‌ریزی فرهنگی و تربیتی و ایجاد آمادگی فکری و مکتبی در دانشجویان، در چارچوب سیاست‌های فرهنگی جهاد دانشگاهی می‌باشد.

#### ۴- در آستانه‌ی سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی قرار داریم، فرهنگ مقاومت چقدر در فضای علمی دانشگاه می‌تواند، تأثیرگذار و ماندگار باشد؟

در پاسخ به سوال شما؛ در ابتدا اشاره‌ای به کلام گهربار حضرت آقا می‌کنم. ایشان فرموده‌اند ((نیاز است که مکتب حاج قاسم در بخش‌های مورد نیاز در کشور برای تغییر رویکرد از سوی جامعه دانشگاهی مورد مطالعه و توجه جدی قرار گیرد)) کلام ایشان فصل الخطاب و روشنگر راهی است که باید در راستای آن کوشش نمود. ما نیز در جهاد دانشگاهی استان گیلان، بر اساس فرمایشات معظم له و مکتبی که آن شهید بزرگوار از خود به یادگار گذاشته‌اند، سیاست‌های فرهنگی مجموعه را تدوین و اجرایی خواهیم نمود.



## گفتگو با معاون محترم

(معاون دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت)

### مهندس محمد شادپور

#### ۵- معاونت فرهنگی تاکنون در این راستا چه برنامه هایی را اجرایی نموده است؟

در ابتدا باید متذکر شوم، متأسفانه با شیوع بیماری کووید-۱۹ و التزام به رعایت پروتکل های بهداشتی و عدم حضور دانشجویان، بسیاری از برنامه های مدون شده به مرحله ی اجرایی نرسید. اما، با توجه به اهمیت موضوع، معاونت فرهنگی دانشگاه با همراهی و تعامل بی نظیر بسیج، انجمن های علمی و امکانات موجود توانست، تا جای ممکن، برنامه ها را اجرایی نماید. یکی از برنامه هایی که به مرحله ی اجرایی رسید، برگزاری تئاتر با محوریت جبهه مقاومت، دعوت از پدر و مادر شهید نوری هریس و تقدیر از آنها بود. همچنین، در مراسم چهلمین روز شهادت، سردار سلیمانی؛ با دعوت از اساتید و شاعران مطرح استانی مراسمی در قالب شعر، ادبیات مقاومت با محوریت شهید حاج قاسم سلیمانی، برگزار شد، که با استقبال خوبی در دانشگاه و فضای مجازی مواجه بودیم و انشالله همین مسیر را ادامه خواهیم داد و هر سال یادواره ای در قالب مختلف فرهنگی را برگزار خواهیم نمود.

#### ۶- از منظر جنابعالی، دلیل ارادت و علاقه بسیار جامعه و شخصیت های فرهنگی و .. نسبت به سردار شهید در چه می دانید؟

تاثیر گذاری را نمی توان به سادگی و در یک جمله تعریف نمود. هنر بزرگ سردار شهید سلیمانی مواضع شفاف انقلابی، اخلاق و منش انسانی و سادگی ایشان در برابر مردم، بگونه ای در این سال ها رفتار کرد که افکار عمومی هیچگاه او را از خود جدا نمی دیدند و نمی دانستند. از مهمترین دلایل محبوبیت و مقبولیت سردار حاج قاسم سلیمانی؛ اخلاص ویژه ی ایشان بود، در دوران دفاع مقدس با تمام وجود در تمام صحنه ها حاضر بوده و بعد از آن نیز جهاد و مبارزه را بدون هیچ چشم داشتی (سیاسی، اقتصادی و...) کنار نگذاشت، کما اینکه رهبر معظم انقلاب نیز؛ بر اخلاص ایشان تاکید داشته اند؛ که نشان دهنده آن است که در بسیاری از موضوعات کیفیت مهم تر از کمیت است. ابعاد شخصیتی و محبوبیت ایشان بگونه ای ست که تنها به مرزهای ایران محدود نمی شود، ما می بینیم که در دیگر کشورهای دنیا، ملت ها نسبت به شهادت ایشان واکنش نشان می دهند. امروز در کشورهای همچون عراق، لبنان، سوریه، یمن، بحرین، ترکیه، هندوستان و .. برای این شهید بزرگوار، مراسم های یادبود، برگزار می شود؛ متصور هستم، این واکنش ها نشان دهنده ی شخصیت منحصر به فرد سردار سلیمانی می باشد.

#### ۷- مکتب سلیمانی چگونه می تواند در محیط علمی و دانشگاهی مفید یوده و در مسیر اجرا قرار گیرد؟

بی شک، اگر بتوان، روش زندگی، مبارزه، اخلاص و تعهد شهید سلیمانی را مورد بررسی قرار داد و متناسب با نوع نیازمندی، همچون یک محیط دانشگاهی، مسیری روشن در پیشرو خواهد بود، دلیل بکار بردن ترکیب (مکتب سلیمانی) از سوی حضرت آقا مبین این نگاه می باشد، مکتبی که می تواند؛ جامعیتی فراگیر داشته و نیازمندی های حرکت های علمی، فرهنگی و ... را پوشش دهد.

#### ۸- از فرصتی که در اختیار نشریه (شکوه واژه ها) قرار دادید، سپاسگزاریم؛ در پایان اگر نکته ای مدنظر دارید، بفرمائید؟

در پایان، امیدوار هستم؛ انشالله پس از شکست ویروس کرونا و حضور دانشجویان عزیز و اساتید گرامی در مؤسسه؛ بتوانیم در فعالیت های متنوع و مختلف علمی و فرهنگی در کنار آنها بوده و در رشد، شکوفایی و خواست های علمی و فرهنگی دانشجویان، این قشر فرهیخته ی جوان، موثر واقع شویم. از شما و همکاران-تان هم، در نشریه (شکوه واژه ها) تشکر می کنم و امیدوارم در رسالت فرهنگی که بر دوش گرفته اید موفق و سربلند باشد.

## آنچه امریکایی ها نمی دانند

دکتر مرتضی حیدرزاده، مدرس دانشگاه



اینکه آمریکائی بر اساس چه معیارهایی در جهان، بر دولت ها، جوامع و افراد برچسب تروریست می زنند و در لیست کذایی خود قرار می دهند، جدا از اینکه چقدر درست یا غلط است، در این نوشتار، مورد بحث نمی باشد. همچنین، معیارهای دولتمردان و جامعه‌ی سیاسی آمریکا در دسته بندی دوست و دشمن نیز، شاید از منظر خودشان درست به نظر می رسد! از سویی دیگر، تبیین سیاست های هر کشور مستقلی منوط، به داشته ها، اعتقادات و فرهنگی ست که ریشه در باورهای آن جامعه، به بالندگی رسیده است و در ظرف دیگری نخواهد گنجید. آینده هر کشوری در دستان صاحبان آن سرزمین می باشد و هر نوع دیگری از پذیرش می تواند خطر ساز و تطمیع کننده تلقی گردد.

\*\*\*

بعد از جنگ جهانی دوم بواسطه خرابی های باقی مانده از جنگ، از بین رفتن اقتصاد و مشکلات بسیار قدرت های اروپایی، روسیه تزاری و دور بودن آمریکا از دایره جغرافیایی جنگ دوم بین الملل، سبب گردید تا آمریکا با سرعت بخشیدن به رونق اقتصادی و جذب نیروی کار ارزان بتواند قدرت خود را در جهان بسط دهد. تاریخ سیاسی آمریکا، بعد از جنگ جهانی دوم نشان می دهد، حضور این کشور در اغلب کشورهای جهان، حضوری سودمند نبوده است. جنگ در ویتنام، شبه جزیره کره، کشورهای حوزه‌ی کارائیب (السالوادور، پاناما، بلیز و ...) و مهمترین نقطه استراتژیک جهان، خاورمیانه؛ بزرگترین تامین کننده‌ی انرژی در جهان و نیاز آمریکایی که در مسیر قدرتمند شدن اقتصاد خود، به آن نیازمند بود. از سویی دیگر، افت پیر استعمار، بریتانیای کبیر و خروج از مناطق بسیاری از مستعمرات، فرصت را برای حضور آمریکا مهیا نمود و تا زمان حکومت پهلوی از فرصت بدست آمده در جهت بهره مندی از منابع نفتی استفاده کامل را ببرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و قطع ارتباطات دیپلماتیک و بروز تنش های بسیار، دیوار بی اعتمادی را چنان بلند نمود که در ظاهر دیگر راهی برای بازگشت وجود نخواهد داشت.

\*\*\*

ایران پس از جنگ تحمیلی، آرام آرام قدرت خود را بازیافته، معادلات در منطقه تغییر کرده و ایران بعنوان قدرت منطقه ای در بالادستی قرار گرفته و هرگونه تحرکی را زیر نظر گرفته است. بنابراین، برای حضور مجدد نیاز آمریکا به سناریو و داستانی تازه بود. جنگ های داخلی افغانستان، حضور طالبان، وقایع اسپتامپر، حضور نیروهای تکفیری با پرچم اسلام در خاک کشورهای مسلمان، فرصتی دوباره را برای نفوذ و حضور نظامی آمریکا، با ادله تأمین امنیت را بوجود آورد، با قدرت گرفتن طالبان در افغانستان، داعش در عراق و گذشت زمان، کنترل از دست آمریکایی ها خارج شد. برای ادامه دادن جنگ استراتژی خود را بر اساس هدف قرار دادن و حذف نمودن فرماندهان، سران داعش، طالبان و دشمنان آمریکا هدف گذاری نمودند.

## آنچه امریکایی هانمی دانند

دکتر مرتضی حیدرزاده، مدرس دانشگاه



آمریکایی ها، بی آنکه به نتایج حضور ایران در مبارزه با تکفیری ها تحت فرماندهی سردار شهید سلیمانی، تأمل نموده و نسبت به جایگاه او در جامعه، تحقیق و شناختی حاصل کند؛ در ذهن خود، متصور بودند، با توجه به نتایج بدست آمده از ترور بن لادن، یافتن و اعدام صدام حسین، تلاش برای مرگ رهبران داعش و کمک در یافتن معمر قذافی، می توانند چنین رویه ای را در ایران نیز، اجرایی نمایند. ترور دانشمندان هسته ای، وقایع مختلف تروریستی در کشور نشان می داد، حوادث از مسیری دیگر در حال مدیریت و اجرا می باشد. اما، شهادت سردار سلیمانی، داستان متفاوتی داشت، عنصری که امریکایی ها به آن فکر نکرده بودند. علاقمندی جامعه ایران و حضور گسترده ی مردم در مراسم تشییع، تفاوت و جایگاه سردار سلیمانی در بین ایرانیان نشان می داد. نکته ای که بسادگی قابل تأیید و اثبات می نمود.

مردی ساده و بی ادعا، که در تمام طول جنگ تحمیلی، در کنار هم‌زمان شهید اش، نفس به نفس می جنگید و انتظار هیچ تشکر و سپاسی نداشت و اهدافش در آرامش مردم، حفظ ارزش های دینی-میهنی خلاصه می شد. آنچه، امریکایی ها نتوانستند از پس درک آن برآیند، آگاهی از جایگاه و علاقه ی وافر سردار شهید در بین جامعه ی ایران بوده است.

حالا، نه تنها جایگاه سردار سلیمانی در خاطره ی تاریخی مردم ایران ثبت گردیده بلکه، توانسته است، به اهمیت جایگاه جهاد، مقاومت و ارزش های فرهنگی و دینی جانی تازه و روشن ببخشد، با اصول و رویه ای مشخص، هدفمند و متعهد به مسئولیتی که در قبال مردم وجود داشته است، نگاهی شریف و امین، که در بسیاری از مسئولین به چشم نمی آید.



## با شاعران



ققنوس وار از دل آتش بر آمدی  
آتش گرفتی و به گلستان در آمدی

یک عمر چون نسیم وزیدی و رد شدی  
سیل دمامد آمد و تو مثل سد شدی

تا خنجری برآمده آنجا سپر شدی  
تو قهرمان ثانیه های خطر شدی

خاری به چشم دشمن بدخواه بوده ای  
سرباز عشق در همه ی راه بوده ای

ای پله پله پله ... به میقات رفته تو  
سمت حضورروشن اصوات رفته تو

ای آرش زمانه گذشته ز جان شدی  
جاری نا مکرر بر هر زبان شدی

وقتی حرامیان به دل شام می زدند  
در خیمه های زینبیه گام می زدند

وقتی خلیفه های بدل منتسب شدند  
دزدان قافله که شریکان شب شدند

آنجا که پیش چشم تمام رسانه ها  
خون می چکید از بغل کودکانه ها

مردان کرد و ترک و عرب ذبح می شدند  
دوشیزگان که در دل شب ذبح می شدند

خاورمیانه را تب شیطان گرفته بود  
هستی دلش ز خلقت انسان گرفته بود

شب های مات و گُنگِ سراسر هراس را  
آینه های منفعل از انعکاس را

خورشید تو دوباره به ما جان تازه داد  
آیات قدسی ات به من ایمان تازه داد

آه ای شهید زنده درود جهان به تو  
پیچیده است نبض زمین و زمان به تو

مام وطن بخاطر تو مویه می کند  
هر مرد و زن بخاطر تو مویه می کند

دنیا نگاه می کند امشب به ماه تو  
اقرار کرده که اشهد ان لا اله الا تو

مهرداد امیدی سراوانی

کسی مانند تو معنا نکرده جانفشانی را  
نمی داند کسی جز تو رموز قهرمانی را

همان سردار بی باک و جلودار سپاهی که  
ندیده قرن حاضر اینچنین شیر ژبانی را

جهانی در نگاهت قدر یک ارزن نمی ارزد  
فرو بردی درون وادی حیرت جهانی را

برای کشتی طوفان زده راه نجاتی نیست  
مگر فرماندهی برپا نماید بادبانی را

علاج واقعه قبل از وقوعش را چنین دیدی،  
که وسعت داده بودی حیطه های مرزبانی را

و خیرالمکرین همواره همراه نبردت بود  
که خنثی کرده بودی مکرهای ناگهانی را

ندارد بی گمان خاورمیانه مثل تو ، حتی  
اگر کتمان کند معیارهای پهلوانی را

نمیشد در حصار تنگ جسمانی بگنجانی  
چنین روح بلند و بی قرار آسمانی را

پر پرواز را یک شب گشودی و سفر کردی  
ندیده هر کسی این لحظه های آرمانی را

#بهرام\_مژدهی

از همان لحظه ای که پرپر شد پیکر قاسم سلیمانی  
برگ زرین دیگری رو کرد دفتر قاسم سلیمانی

مثل جوی شراب جاری شد بعد از آن در دل خیابان ها  
خُم به خُم سینه های لبریز از ساغر قاسم سلیمانی

قطره ها هر کدام رود شدند، رودها هرکدامشان دریا  
جمع شد از سراسر دنیا لشکر قاسم سلیمانی!

...عشق بی حد و بی نهایت بود، شور لبریز از ولایت بود  
شوق هر لحظه ی شهادت بود در سر قاسم سلیمانی

در بهشت است و باز دریا را... پیکر پاک اربا را  
دارد اینک تمام دنیا را مادر قاسم سلیمانی!

«یا قدیرالمُعین یا الله...! هزم الظالمین یا الله»\*  
خالی از ما نمی شود یک دم سنگر قاسم سلیمانی

عشق یک لحظه پس نمی افتد، «ذوالفقار» از نفس نمی افتد  
ریشه کرده ست در وجود همه باور قاسم سلیمانی

درنوردیده مرزها را عشق، پیش هم جمع کرده ما را عشق  
همه قلب های ماست کنون کشور قاسم سلیمانی!

#رضا نیکوکار



## با شاعران



این شعله ها قلبی چو ابراهیم میخواهد  
این داغ سنگین فرصت تصمیم می خواهد

برداشتی از ما نگاه آخریت را  
افشا نکردی باز سر دلبریت را

آن صبح جمعه آه دنیا با چه احوالی  
برداشت از روی زمین انگشتریت را

آن شب که تو رفتی در اوج حریت بودی  
من خواب بودم چون تو کوه امنیت بودی

خاک عراق آن صبح یاد کربلا افتاد  
یک بار دیگر آتشی در خیمه ها افتاد

یادش می آمد غصه هارا یک به یک باهم  
موی پریشان، گوش پاره، زخم ها را هم

یاد دو دستی که ستون خیمه ها میشد  
در اوج قدرت بود اگر حتی جدا میشد

یادش می آمد چادر زینب در آتش سوخت  
با بوسه هایش زخمهای کودکان را دوخت

سردار من تو روی آن خاکی که خونت ریخت  
خاکی که دستش را به دور گردنت آویخت

میخواست از تو یک غنیمت باز بردارد  
از تو سری پیدا نشد بر نیزه بگذار

دید آسمان آن لحظه زیر بالتان آمد  
چون حضرت زهرا به استقبالتان آمد

این داغ هارا رفتن تو تازه تر میکند  
ای کاش می گفتیم از بغداد خون برگرد

با آن نگاه نافذت این غصه را بردار  
امشب جهانی را اسیری برده ای سردار!

چندیست می گفتم که بی تاب شهیدانی  
ما حدسمان این بود بیش از این نمی مانی

وقتی شهادت هم برایت چون غسل باشد  
در جنگها چون قاسمی، اما... سلیمانی

حتی در آغوش خدا هم لحظه ی دیدار  
دلواپس ما بوده ای سردار ایرانی

#سید زهرا حسینی



بی سیم روشن است  
تو حرف می زنی  
از شام غریبان کبود کربلا  
از مسیر هزاران کبوتر سفید  
برکرانه های خیس  
مسجد الاقصی  
بی سیم روشن است  
و صدای تو پیچیده است  
آن زمان که بهمن

از پله های تقویم ایران بالا می رود  
آن گاه که دست های اهواز را  
محکم گرفته بودی  
وقتی که گرگ های حادثه  
پراهن کودکان سوری  
را می دریدند  
فریاد تو  
از حافظه سیم های خاردار

رد می شود  
و تنها با تو می توان  
پای شعر را  
به جغرافیای مطمئن تری باز کرد  
صدای تو  
در خزر وضو می گیرد  
کنار پنجره فولاد اقامه می بندد

صدای تو  
صدای تو  
سلیمانی را  
در آغوش گرفته است  
زمان  
از تو نمی تواند بگذرد  
بی سیم  
تا همیشه روشن است ...

#مریم فرجی



اسطوره ی عشق و آسوه ی ایمان رفت  
بی آن که دمی بیم کند از جان ، رفت  
یک عمر ، برای مردم خود جنگید  
سردار چه عاشقانه از میدان ، رفت

#وحیده تقی پور



آفتاب افتاده بر سجده بین اینجا شهید آورده اند  
میچکد ماه از خجالت بر زمین اینجا شهید آورده اند  
بارها در مسلخ خون هیبت سردارها بی سر شده است  
سالها از اربعین تا اربعین اینجا شهید آورده اند

پشت باورهای ما از زخمهای نابرابر خمر شده است  
باز از اندیشه تا پای یقین اینجا شهید آورده اند

بارها از هجمه ی خفاشها بر آسمان خون داده ایم  
قرنها از شام تا حمام فین اینجا شهید آورده اند

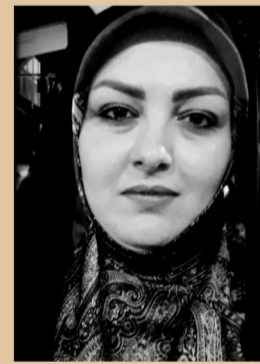
ما صنوبرهایمان در جان مردم ریشه گستردند آی  
خانه زاد از لاله دارد دست چین اینجا شهید آورده اند

تحفه ای انگار می آید بهشتی تر کند این خاک را  
میرسد وقتی که عطری اینچنین اینجا شهید آورده اند

کربلایی میشود دستی که در پای حرم جان میدهد  
می تراود روح رب العالمین اینجا شهید آورده اند

ای سر سردارها گرد وطن چرخید اگر تابوت تو  
میرسد از ما جوابی آتشین اینجا شهید آورده اند

#معصومه اپروز



فرزند دلیر شهر کرمان بودی  
سردار عزیز خاک ایران بودی

انسانیت تو کوه را لرزاند  
معیار کمال هر مسلمان بودی

\*

ایمان تو سر لوحه ایرانی هاست  
بی باکی تو مرام کرمانی هاست

ایران و تمام مردمش میدانند  
امنیت ما دست سلیمانی هاست

#فاطمه حبیبی

## عطر شهادت

### معصومه فرمانی



"برای سلامتی رزمنده‌های اسلام صلوات بلندی ختم کنین" این را گفت و چادر را به کمرش محکم‌تر بست و شروع به هم زدن آش کرد، نذر هر سالش بود که آش درست می‌کرد آن هم ۲۸ صفر و امسال مصادف شده بود با سلامتی دوباره پسر رزمنده مجروحش و پسرش بعد از یک ماه استراحت دوباره شده بود همان رضای سرحال و شوخ، پسرش را دید که لنگان‌لنگان به ایوان نزدیک می‌شود گفت: "حاج خانم اینبار برای اینکه دوباره قسمت آقا رضا بشه بره جبهه صلوات بلندتری ختم کنین" و بعد خندید، چشم غره‌ای به رضا رفت که مگر این مجلس جای این جور مزه پراکنی هاست؟! و رضا دست روی چشمهایش گذاشت و گفت: "چشم، ما مخلص حاج خانم هم هستیم" و دوباره راهش را گرفت و به سمت اتاق حرکت کرد، دلش طاقت نیاورد رضا را صدا کرد "بیا خودت هم بزن و حاجتت رو از صاحب مجلس بخواه."

غروب شده بود و داشت حیاط را جارو می‌کرد، آقا محسن که از مسجد برگشت خدا قوتی گفت و بعد با یک سینی چای آمد روی نیمکت چوبی کنار حیاط نشست "زینب جان بیا برات چای ریختم خستگیت در بره" نگاهی به آقا محسن انداخت هنوز مثل جوانی‌هایش سرزنده بود و کمک حال اهل خانه

- دستت درد نکنه آقا شما چرا زحمت کشیدین من میریختم

- این حرفا چیه خانم، صاحب مجلس قبول کنه و حاجت روا بشی انشالله، خدا رو شکر امسال هم مراسم عالی برگزار شد.

محسن خدا رو شکر کرد و به سمت اتاق حرکت کرد، تلویزیون را روشن کرد اخبار باز هم خوب نبود عراق باز حمله هوایی کرده بود دوباره کلی زخمی و شهید داده بودیم رضا و آقا محسن با ناراحتی به تلویزیون نگاه می‌کردند. یک هفته به سرعت برق و باد گذشت و رضا کاملاً خوب شده بود مامان زینب می‌خواست رضا درسش را ادامه بدهد و گاهی در مغازه پدرش کمک حالش باشد، چقدر دلش می‌خواست به وقتش رضا را در لباس دامادی ببیند در همین فکر بود که رضا برگشت خانه، از خوشحالی روی پاهایش بند نبود مجدداً نامه اعزام به جبهه را گرفته بود صورت حاج خانم را بوسید و گفت: "حاجتم رو گرفتم، پس فردا اعزامم" مامان زینب برای لحظاتی به چشم‌های رضا که از خوشحالی برق می‌زد خیره شد این پسر ۱۸ ساله اینقدر مصمم برای انجام کاری باشد چقدر زود مرد شده بود، صدای رضا او را به خودش آورد "حاج خانم پس کی غذای ته تغاریت رو آماده می‌کنی آقا رضا دو سه روزی بیشتر مهمونتون نیستا" انگار بند دلش پاره شده بود چیزی نگفت فقط همانطور که سر سجاده نشسته بود دستهایش را به آسمان بلند کرد و برای سلامتی تمام رزمنده‌ها دعا کرد، صدای رضا را می‌شنید که می‌خواند "ای لشگر صاحب زمان آماده باش، آماده باش، بهر نبردی بی امان آماده باش، آماده باش".

ظهر پنج شنبه بود هوا آفتابی بود میدان پر شده بود از اتوبوس‌های رزمنده‌هایی که داشتند به جبهه می‌رفتند تا از وطنشان در برابر دشمن دفاع کنند، رضا قدم بر پله اتوبوس گذاشت زینب صدایش کرد "مادر جان مواظب پات باش بهش فشار نیاری"، رضا در حالیکه مثل همیشه لبخند به لب داشت جواب داد "نگران نباش حاج خانم از روز اولشم بهتره".

نمی‌دانست از کجا اما انگار یکی به او می‌گفت این خنده رضا را برای همیشه قاب کند و کنج دلش بگذارد. وقتی به خانه برگشتند اصلاً دل و دماغ هیچ کاری را نداشت نهار را کشید خودش به ایوان آمد همه جا بوی رضا را می‌داد انگار برای اولین بار بود که از او جدا می‌شد.

هوا سوز سردی داشت، پرچم‌های سیاه قد برافراشته بودند، ماه رمضان بود و به رسم هر سال شب‌های قدر مراسم و افطاری در منزل آقا محسن برقرار بود، حیاط شلوغ بود و همه در حال کار، پسر جوان و خوش‌سیمایی یا الله گفت و وارد حیاط شد سراغ آقا محسن را گرفت، زینب جوان را زیر چشمی پائید آقا محسن روی ایوان گاز خوراک‌پزی را تعمیر می‌کرد، جوان چند کلمه ای را با او حرف زد و بعد انگار که محسن به یکباره سُست شد و روی زمین نشست، نگاهی به محسن انداخت، نگاهی به آسمان، انگار ابرهای بالای سرش هم در آسمان و هم در دلش طوفان به پا کرده بودند، صدای رعد و برق آمد،

باران بارید هم از آسمان هم از چشم‌های زینب رضا شهید شده بود.



# موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت معاونت فرهنگی و دانشجویی



شهید سلیمانی هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد. ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

خدای متعال در قرآن از زبان مسلمانها میگوید: بنا الا احدی الحسینین، ما یکی از دو حسنی را داریم؛ حسنی یعنی بهترین؛ یکی از دو بهترین را ما داریم. آن دو چه هستند که یکی اش را انسان دارد؟ یکی اش پیروزی است، یکی اش شهادت است. شهید سلیمانی به هر دو حسنین رسید؛ هم پیروز شد - چند سال است که در منطقه، پیروز میدان شهید سلیمانی است، مغلوب میدان، آمریکا و عوامل آمریکایند؛ در همه این منطقه این جور است - هم به شهادت رسید؛ یعنی خدای متعال کلتا الحسینین را به این شهید عزیز داد. ۱۳۹۸/۱۱/۲۹



زنده اند

